

تأملی جامعه‌شناختی در تشخیص و تعیین اولویت مسائل اجتماعی ایران

علی یوسفی،* حسین اکبری**

چکیده

هر جامعه‌ای متناسب با شرایط اجتماعی و فرهنگی خود همواره با مسائل خاصی روبه‌روست. تشخیص و تعیین اهمیت و اولویت این مسائل نیز با توجه به اوضاع زمانی و مکانی هر جامعه‌ای می‌تواند متفاوت باشد. بنابراین، تشخیص و تعیین اولویت مسائل اجتماعی در تمام جوامع یکسان نیست. مقاله حاضر با توجه به این موضوع در پی ارائه تحلیلی جامعه‌شناختی از ماهیت و اولویت مسائل اجتماعی در ایران است. برای این منظور، ابتدا ملاک‌های تشخیص و اولویت‌بندی مسائل اجتماعی از دیدگاه‌های مختلف بررسی شده و با تکیه بر رهیافت برساخت‌گرایی به بررسی اولویت مسائل اجتماعی از دیدگاه عامه مردم و نخبگان حاکم بر کشور پرداخته است. مطالعه با روش تحلیل ثانویه چهار پیمایش ملی را طی یک بازه زمانی ده ساله با نمونه‌ای مشتمل بر ۳۶/۴۲۹ نفر مورد بررسی قرار داده است.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مسائل اقتصادی دارای بالاترین اهمیت و اولویت در میان جامعه ایرانی است و پس از آن مسائل حوزه اجتماعی قرار دارد. بررسی ادراک مردم ایران از اهمیت و اولویت مسائل اجتماعی نشان می‌دهد که میان گروه‌های اجتماعی مختلف، به‌ویژه عامه مردم و نخبگان حاکم کشور، تفاوت چندانی وجود ندارد. همچنین اولویت‌بندی مسائل اجتماعی از سوی مردم با توجه به حوزه‌های اجتماعی مختلف از الگوی خاصی پیروی می‌کند. درنهایت نیز، یک الگوی تعامدی از

* دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد yousofi@um.ac.ir

** دانشجوی دکتری دانشگاه شهید بهشتی

شرایط عینی و ذهنی برای تشخیص اهمیت و اولویت مسائل اجتماعی در ایران پیشنهاد شده است.

کلیدواژه‌ها: مسائل اجتماعی، تشخیص، اولویت‌بندی، برساخت‌گرایی.

طرح مسئله

توسعه متوازن هنگامی حاصل می‌شود که رشد همراه با بهبود در کیفیت زندگی شامل کاهش در مسائل اجتماعی باشد. افزایش روند مسائل اجتماعی نه تنها مانعی برای دستیابی به توسعه همه‌جانبه است، بلکه مانعی در راه ایجاد جامعه‌ای متعادل در آینده خواهد بود (امین و همکاران، ۲۰۰۶: ۱۵۲ - ۱۵۱). دل‌نگرانی جامعه درباره برخی از نارسایی‌ها و کمبودها در حوزه‌های مختلف اقتصاد، سیاست، فرهنگ و اجتماع به گونه‌های مختلف، از جمله انعکاس وسیع و پرحاشیه در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و در مجامع عمومی و خصوصی و مقالات علمی‌گویای این واقعیت است که جامعه نسبت به بروز و ظهور مسائل اجتماعی حساسیت دارد و این قبیل مسائل، همواره بخش مهمی از افکار و گفتمان عمومی جامعه را به خود اختصاص می‌دهد. هر جامعه به‌طور اجتناب‌ناپذیری با میزانی از "مسائل اجتماعی"^۱ روبه‌رو است. مسائلی از قبیل فقر، تبعیض، تورم و گرانی، فساد و بزهکاری، اعتیاد، ناکارآمدی حکومت و... که همه جزئی از دل‌مشغولی‌های دائمی جامعه است. این در حالی است که در بین افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی، تلقی‌های مختلفی از این قبیل مسائل و چگونگی برخورد با آن‌ها وجود دارد. غالباً در این میان، نقش پژوهش‌گران و صاحب‌نظران اجتماعی، روشن‌فکران، عالمان مذهبی و روزنامه‌نگاران در برانگیختن افکار عمومی در مورد شرایطی که از نظر اجتماعی نامطلوب تلقی می‌شود، درخور توجه است. از سوی دیگر بدیهی است همه مسائل به‌طور یکسان به سطح افکار عمومی کشیده نمی‌شود. برخی از مسائل با سرعت بیشتر و برخی با سرعت کمتر به سطح آگاهی و افکار عمومی انتقال می‌یابد و این امر عمدتاً بستگی به کم و کیف خود مسائل از جمله فراگیری اجتماعی و شدت و اهمیت آسیبی که متوجه جامعه می‌سازد، سرعت انتقال به سطح زندگی و تجربه شخصی افراد و فعالیت‌های انگیزشی و آگاهی‌بخشی دارد که سبب تهییج و برانگیختن افکار عمومی می‌شود.

^۱ Social problems

با این حال، در جامعه ما در پاره‌ای از مسائل بین عامه مردم و کارشناسان درک مشترکی از آنچه مسئله اجتماعی خوانده می‌شود وجود دارد و در مواردی نیز بین توده مردم و متخصصان در تشخیص مسئله اجتماعی هم‌سویی وجود ندارد، یعنی آنچه توده مردم مسئله می‌پندارند، با آنچه متخصصان و صاحب‌نظران اجتماعی مسئله اجتماعی می‌دانند، تفاوت دارد. بنابراین، در تعریف مسئله اجتماعی و تعیین منابع آن و نحوه برخورد با مسئله اختلاف نظر زیادی وجود دارد. صرف‌نظر از این اختلاف‌ها، آنچه غالباً مسئله اجتماعی تلقی می‌شود، به‌طور اجتناب‌ناپذیری، بخش زیادی از اعضای جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و سؤالات معماگونه^۱ جامعه درباره این دسته از شرایط نیازمند پاسخگویی است. انتظار از جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی این است که به سؤالاتی از این قبیل پاسخ دهد که:

مسائل اجتماعی چرا و چگونه به وجود می‌آیند؟

افراد چگونه تحت تأثیر این مسائل قرار می‌گیرند؟

مسائل اجتماعی چه اهمیتی برای جامعه دارند؟

داعیه اولیه جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی نیز فراهم آوردن فهم کلی درباره این قبیل سؤالات بوده است (هورتن، ۱۹۷۸: ۹۱). بر این اساس، فهرستی طولانی از وقایع و شرایط مسئله‌ای^۲ جامعه و رفتارهای نامطلوب اجتماعی در قلمرو مطالعه جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی قرار گرفته و حوزه مطالعه مسائل اجتماعی با حوزه مطالعه رفتارهای انحرافی و بی‌سازمانی اجتماعی تداخل زیادی پیدا می‌کند.

سعی نوشتار حاضر این است که با تأمل در مفهوم‌سازی‌های مسائل اجتماعی، قواعد جامعه‌شناختی لازم را برای تشخیص و تعیین اولویت مسائل اجتماعی معرفی کند و برحسب داده‌های ثانویه‌ای که از پژوهش‌های اجتماعی در کشور حاصل شده، تصویری از مسائل اجتماعی جامعه ایران و اولویت نسبی آن‌ها ترسیم نماید.

^۱ Perplexing

^۲ Problematic

چیستی مسئله اجتماعی

هر چند اصطلاح مسئله اجتماعی به طور وسیع و فراوان استفاده می شود، ولی وفاقی بر سر اینکه چه چیزی یا چه رفتاری یک مسئله اجتماعی را می سازد وجود ندارد. رومیر دلایل این عدم وفاق تعریفی را چنین ذکر می کند: ۱- مسائل اجتماعی شامل پدیده‌هایی است که به طور آشکار دارای تفاوت تعریفی هستند. درحقیقت تنوعی از پدیده‌ها تحت عنوان مسئله اجتماعی مقوله‌بندی می شوند. ۲- رفتارها و شرایطی که مسئله اجتماعی در نظر گرفته می شوند بسیار تحت تأثیر قضاوت‌های ارزشی، نسبییت فرهنگی^۱ و درگیری‌های سیاسی هستند. ۳- مسائل اجتماعی از مکانی به مکان دیگر و از زمانی به زمان دیگر متغیرند. به این دلیل که چون جوامع مختلف به طور متفاوتی از مسائل اجتماعی متأثر می شوند، ادراکات و تعاریف این مسائل متفاوت خواهد بود (رومیر، ۲۰۰۱: ۲). علت اهمیت تعریف مسائل اجتماعی این است که تعاریف مختلف ممکن است راه‌حل‌های متفاوتی را به همراه داشته باشند (لویاتو و لوی، ۲۰۰۳: ۷). بنابراین، برای رسیدن به تعریفی خاص از مسائل اجتماعی ابتدا باید دید چه تمایزی بین مسائل اجتماعی و سایر مسائل وجود دارد؟

بررسی سیر تاریخی گفتمان مسائل اجتماعی در غرب نشان می دهد که به طور کلی تعریف مسائل اجتماعی از گناه به جرم و درنهایت به بیماری^۲ تغییر یافته است. در این زمینه آرتور کلینمن^۳ در اثر مشهورش *روایت‌های بیمار بودن*^۴ شرح داده که چگونه مسائلی چون گرایش به مصرف الکل و سوءرفتار با کودکان به عنوان نشانگان^۵ از آسیب‌شناسی خانواده که قبلاً مسائل اخلاقی، مذهبی یا جنایی در نظر گرفته می شدند، به عنوان مسائل پزشکی^۶ بازتعریف شدند (لی، ۲۰۰۳).

از تلاش‌های مهم نظری در زمینه تعریف و تشخیص مسائل اجتماعی، تحقیقات سی‌رایت میلز است. میلز با بهره‌گیری از نظرات جامعه‌شناسان سنتی همچون دورکیم، مارکس، مانهایم و وبر «تعریفی ساختاری» از مسئله اجتماعی ارائه می دهد. او بین «گرفتاری‌های خصوصی»^۶ و

¹ Cultural relativity

² Sickness

³ Arthur Kleinman

⁴ Illness Narratives

⁵ Medical

⁶ Personal troubles of milieu

«موضوعات عمومی ساختار اجتماعی»^۱ تمایز قائل شده و وظیفه عمده جامعه‌شناسی را نیز درک و تشخیص این دو مسئله از یکدیگر و ارتباط این دو با هم می‌داند (هاردنر، ۱۹۷۴). میلز با اعتقاد به اینکه عمده مسائلی که در جوامع امروزی با آن مواجه هستیم، معلول دگرگونی‌های ساختی هستند، به این نکته تأکید دارد که برای شناخت علل مشکلات خصوصی نیز باید همواره به ماورای آن‌ها توجه کنیم. از تعریف میلز این نتیجه برمی‌آید که «مسئله اجتماعی هم منشأ اجتماعی دارد، هم پیامد اجتماعی و هم راه‌حل اجتماعی». اگرچه میلز این سه معنا را در هم آمیخته و به روشنی از یکدیگر تفکیک نکرده است؛ بر این اساس، می‌توان دسته‌بندی سه‌گانه‌ای برای چگونگی تشخیص مسئله اجتماعی قائل شد:

۱- تشخیص مسئله اجتماعی برحسب منشأ^۲ و علت^۳ آن: در این سطح از مسئله‌شناسی، آن‌چه اهمیت پیدا می‌کند شناخت منابع مسئله‌زا است.

۲- تشخیص مسئله اجتماعی به‌حسب پیامدها و آثار^۴ آن: در این حالت، مسئله اجتماعی برحسب پیامدها و آثار اجتماعی پاتولوژیک آن شناسایی می‌شود و آن‌چه اهمیت پیدا می‌کند، علائم بیمارگونه^۵ آن پدیده است که در جامعه به چشم می‌آید و دلالت بر وجود نارسایی‌ها در حوزه‌های معینی از جامعه دارد. خود این علائم مرضی، مسئله اجتماعی تلقی می‌شود.

۳- تشخیص مسئله اجتماعی برحسب راه‌حل^۶: در این حالت، مسئله اجتماعی برحسب راه‌حل‌هایی که برای آن متصور است، شناسایی می‌شود. در این صورت، گرفتاری‌های خصوصی، آن دسته از مسائلی خواهند بود که چون راه‌حل‌های شخصی دارند و با اراده فردی مرتفع می‌شوند، مسئله اجتماعی تلقی نخواهند شد و بالعکس مسائل عام ساختاری که به روابط جمعی در سطح ملی یا بین‌المللی مربوط می‌گردند و راه‌حل شخصی ندارند، بلکه راه‌حل آن‌ها

^۱ Public issues of social structure

^۲ Origen

^۳ Causes

^۴ Effect

^۵ Syndrome

^۶ Solution

نیز جامعه‌ی^۱ است و از طریق تغییرات نهادی قابل حل خواهد بود، مسئله اجتماعی تلقی خواهند شد (هاردن، ۱۹۷۴: ۱۱).

اگر بخواهیم ویژگی‌های عمده مسئله اجتماعی را از نظر میلز بیان کنیم، می‌توانیم بگوییم که مسئله اجتماعی به آن نحوه از فکر، احساس و عمل در جامعه گفته می‌شود که:

۱- منشأ ساختاری داشته باشد، یعنی برای افراد با نوعی الزام و اجبار همراه باشد و افراد ناگزیر از تن دادن به آن باشند.

۲- عام باشد، یعنی نزد تعداد قابل توجهی از اعضای جامعه بروز و شیوع یافته باشد.

۳- تهدیدآمیز باشد، یعنی وجود آن تهدیدی را متوجه نظام ارزشی جامعه کند و بیشتر اعضای جامعه نیز به این تهدید آگاهی یافته باشند.

۴- راه‌حل ساختاری و جامعه‌ای داشته باشد، یعنی با انجام تغییرات نهادی بتوان تهدیدات آن را تحت کنترل درآورد.

رومیر با بررسی تعاریف صاحب‌نظران مختلف از مسائل اجتماعی پنج جزء تعریفی مسئله اجتماعی را مورد بازشناسی قرار می‌دهد. بر اساس این تعاریف، مسئله اجتماعی (۱) وضعیت یا موقعیتی نامطلوب است که (۲) به وسیله تعداد قابل توجهی از اعضای جامعه (۳) تحمل‌ناپذیر و مضر دیده می‌شود و (۴) کنشی جمعی برای (۵) اصلاح آن ضروری است (رومیر، ۲۰۰۱: ۴). این تعریف از مسئله اجتماعی تقریباً مورد پذیرش بسیاری از محققان و نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی قرار گرفته است، هرچند که در مورد عملیاتی کردن هر یک از این اجزاء ابهامات و سؤالات فراوانی وجود دارد. این امر نشان می‌دهد که مسائل اجتماعی از لایه‌های بسیاری تشکیل یافته‌اند و عناصر سازنده چندگانه‌ای را شامل می‌شوند (لوپاتو و لوی، ۲۰۰۳: ۸).

در مطالعه مسائل اجتماعی توجه به زمان و جامعه‌ای که مسائل اجتماعی آن مدنظر است، حائز اهمیت است. ما همیشه باید پرسیم که کدام ساختار اجتماعی، چه نتایجی برای ایجاد، تشدید یا تعدیل مسائل اجتماعی دارد؟ (لوپاتو و لوی، ۲۰۰۳: ۹). همچنین برخی از مسائل اجتماعی جدید هستند، مانند جرایم کامپیوتری و دزدی هویت، و برخی دیگر قرن‌ها سابقه دارند، مانند فقر و فحشا. از زاویه‌ای دیگر، درک برخی از مسائل از مکانی به مکانی دیگر و از

^۱ Societal

عصری به عصر دیگر متفاوت بوده است؛ مثلاً نگرش نسبت به فقر و فحشا. در صورتی که برخی از مسائل تقریباً همیشه نامطلوب بوده‌اند مانند زنا با محارم (پاریلو، ۲۰۰۸: XII). البته باوجود این تفاوت‌ها در تعاریف و شرایط مسائل اجتماعی، شباهت‌های کافی برای انجام مقایسه‌های ملی وجود دارد (نبسون و ساگوی، ۲۰۰۵: ۲۳۴).

عامل مهم دیگری که درک ما را از مسائل اجتماعی بغرنج‌تر می‌کند این است که هیچ‌کدام از مسائل اجتماعی جدا از سایر شرایط و مسائل اجتماعی وجود ندارد. درحقیقت، میزان بالایی از روابط متقابل میان هریک از مسائل اجتماعی وجود دارد (پاریلو، ۲۰۰۸: XIII) و توجه به یک مسئله اجتماعی نیازمند بررسی سایر مسائل است. زیرا تجربه یک مسئله اجتماعی فرد را به سمت مسائل اجتماعی جدیدی سوق می‌دهد (اندرسون، ۲۰۰۸: ۴۹۱). همچنین مسائل اجتماعی می‌تواند پیامدهایی در سطح فردی، خانوادگی، اجتماعی^۱ و کلی جامعه (اندرسون، ۲۰۰۸: ۴۹۲) و حتی جهانی (پاریلو، ۲۰۰۸: XII) داشته باشد. از این رو، جامعه‌شناسان همیشه با پدیده تراکم مسائل اجتماعی^۲ یا مسائل اجتماعی چندگانه^۳ (کیندلاند ۲۰۰۲: ۶۷) روبه‌رو هستند.

بنابراین، چنان‌که مطالب فوق نشان می‌دهد، مسئله اجتماعی، با توجه به خصوصیات الگودار خود، تحت تأثیر شرایط و موقعیت‌های ویژه ممکن است تعاریف کم و بیش متفاوتی داشته باشد، ولی آنچه تقریباً در تمام تعاریف مسائل اجتماعی وجود دارد این است که مسائل اجتماعی (۱) نامطلوب و مضر هستند و (۲) ریشه‌های اجتماعی دارند. پس می‌توان گفت که مسائل اجتماعی عبارت است از:

مسائل ناشی از تعاملات انسانی یا ساختارها و کارکردهای نامناسب جامعه که به‌وسیله بخش مؤثری از اعضای جامعه نامطلوب و مضر تشخیص داده شده و امکان کنترل آن از طریق کنش جمعی فراهم باشد.

¹ Communal

² Accumulation of social problems

³ Multiple social problems

رویکردهای نظری

سؤالی که مطرح می‌شود این است که جنس مسئله اجتماعی از چیست؟ آیا مسئله اجتماعی امری عینی و بیرونی است یا امری غیرواقعی و ساخته ادراکات و تصورات افراد جامعه؟ پاسخ به این سؤال دو رهیافت عمده در بررسی مسائل اجتماعی را ایجاد کرده است. اولی رهیافت عینی‌گرایی مسئله اجتماعی و دوم رهیافت ذهنی‌گرایی یا برساخت‌گرایی مسئله اجتماعی. پذیرفتن هر یک از این رهیافت‌ها نتایج تعریفی و تحقیقی خاصی برای مسئله اجتماعی دارد و ما را در درک بهتر مسئله اجتماعی، سازوکارها و الگوهای آن کمک می‌کند.

الف) رهیافت عینی‌گرا

این رهیافت معتقد است که مسائل اجتماعی نه تنها زندگی انسانی و رفاه اجتماعی را به مخاطره می‌اندازد، بلکه موجودیت، بزرگی علل و نتایج آن می‌تواند به‌طور مستقیم مشاهده یا احساس شود. بر اساس این رهیافت، هر چه مسئله‌ای بیشتر در جامعه گسترش یابد، جدی‌تر است (رومیر، ۲۰۰۱: ۵)؛ یعنی تناسبی بین اهمیت و تأثیرگذاری مسئله و گسترش واقعی آن در جامعه وجود دارد. بنابراین، مسائل اجتماعی به‌وسیله موجودیت واقعی شرایطی که تهدیدکننده و مخاطره‌آمیز هستند تعریف می‌شود. این رهیافت با رویکردی کارکردی به مسئله اجتماعی نگاه می‌کند و مسئله اجتماعی را در ابتدا نتیجه‌ای از کژکارکردهای سازمان اجتماعی، تضادهای ارزشی و نقشی و تخطی از هنجارها تعریف می‌کند (کلتران و آدامز، ۲۰۰۳: ۳۶۶).

از اولین تلاش‌های انجام‌شده در مفهوم‌سازی «مسئله اجتماعی» که الهام‌بخش بسیاری از جامعه‌شناسان بعدی بوده است، تعریف دور کیم از «واقعیت اجتماعی»^۱ و چگونگی تشخیص «واقعیت‌های بهنجار»^۲ از «واقعیت‌های آسیب‌شناختی»^۳ است. به عقیده دور کیم «واقعیت‌های اجتماعی، شیوه‌های عمل و فکر و احساس هستند که در بیرون از فرد وجود دارند و از نیروی اجباری برخوردارند و به‌وسیله آن خود را بر فرد تحمیل می‌کنند» (وایت، ۲۰۰۶: ۵۷). دور کیم قاعده عمومیت را برای بازشناسی و تمایز پدیده‌های «بهنجار» و «آسیب‌شناختی» به خدمت می‌گیرد و عمومیت را صفت خارجی و مشخص‌کننده وقایع بهنجار معرفی می‌کند و صورت

¹ Social fact

² Normal facts

³ Pathologic

پاتولوژیک پدیده اجتماعی را با مراجعه به صورت بهنجار و سالم آن پدیده ترسیم می‌کند و این دو مفهوم را با تکیه بر یکدیگر معنا می‌کند. برای دورکیم معیار تشخیص بهنجاری و سلامتی پدیده عمومیت آن است و لذا وقتی پدیده‌ای در جامعه عمومیت نداشته باشد، مرضی یا پاتولوژیک خواهد بود. بر اساس این قاعده، پدیده پاتولوژیک، آن نحوه از فکر، احساس و عمل است که در نزد «اقلیت» اعضای جامعه به چشم بخورد نه «اکثریت» آن‌ها. دورکیم علاوه بر «قاعده عمومیت»، ضابطه دیگری را برای تشخیص وقایع بهنجار معرفی می‌کند و آن «قاعده سودمندی» است. به عقیده وی «برای اینکه بتوان واقعه‌ای را بهنجار دانست، باید این واقعه مفید یا ضروری شناخته شده باشد... لکن سودمند از مفهوم بهنجار عام‌تر است... هرچه که بهنجار است، سودمندتر است (مگر اینکه ضروری باشد)، اما نادرست است که بگوییم هرچه سودمند است، بهنجار نیز هست (همان: ۷-۷۶). بر اساس این قاعده، پدیده مرضی (پاتولوژیک) برخلاف پدیده بهنجار، همواره متضمن نوعی ضرر و آسیب برای جامعه است. ضرر و آسیب پدیده پاتولوژیک مستلزم این است که این آسیب به سطح آگاهی اجتماعی انتقال یافته باشد و جامعه ضرر آن را احساس کرده باشد.

بر اساس قاعده «عمومیت» و «سودمندی» مفهوم پدیده مرضی یا مسئله اجتماعی می‌توان گفت که «مسئله اجتماعی نحوه‌ای از فکر، احساس و عمل افراد است که بروز و ظهورش در سطح اقلیت اعضای جامعه (قاعده تکرار اقلیت) و ضرر و زیانش متوجه اکثریت جامعه (قاعده ضرر اکثریت) باشد». در عین حال، «تکرار اقلیت» و «ضرر اکثریت» مسئله اجتماعی، می‌بایست با توجه به نوع جامعه‌ای که پدیده مورد نظر به آن تعلق دارد و همچنین فرآیند تحول آن پدیده مورد ارزیابی قرار بگیرد.

ب) رهیافت ذهنی‌گرا یا برساخت‌گرایی^۱

امروزه رهیافت برساخت‌گرایی اجتماعی پارادایم مسلط در مطالعه جامعه‌شناختی مسائل اجتماعی محسوب می‌شود (کلتران و آدامز، ۲۰۰۳: ۳۶۶). در طول دهه ۱۹۷۰، ماکلوم اسپکتور و جان کیتسوز تغییر جهتی مهم و بنیادین در تفکر جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایجاد کردند. به عقیده آن‌ها، محققان و نظریه‌پردازان پیش‌گام در تبیین صحیح مسائل

^۱ Constructionist theory

اجتماعی شکست خورده‌اند (استالر، ۲۰۱۰: ۱۵۷). آن‌ها حرکتی را در میان نظریه‌پردازان مسائل اجتماعی در توسعه رهیافت برساخت‌گرایانه در مطالعه مسائل اجتماعی آغاز کردند. هرچند که بنیان‌های نظریه آن‌ها را می‌توان در افکار افرادی چون میر (۱۹۴۱)، بکر (۱۹۶۶)، بلومر (۱۹۷۱) و سایر نظریه‌پردازان مرتبط با مکاتب برچسب^۱ و ارزش-تضاد^۲ ردیابی کرد (وینبرگ، ۲۰۰۹: ۶۳؛ کلتران و آدامز، ۲۰۰۳: ۳۶۴).

اسپکتور و کیتسوز در مخالفت با رهیافت‌های کارکردگرایانه در نظریه‌سازی مسائل اجتماعی معتقدند که نظریه‌های کارکردگرایی مسئله اجتماعی را بیش و کم واقعیت‌های اجتماعی دورکیمی در نظر می‌گیرند که مستقل از راه‌هایی که به وسیله اعضای جامعه درک می‌شوند رخ می‌دهند. در حالی که به عقیده آن‌ها مسائل اجتماعی نمی‌تواند از ادراکات و فعالیت‌های عملی اعضای جامعه که آن‌ها را تهدیدآمیز قلمداد کرده‌اند جدا باشد (وینبرگ، ۲۰۰۹: ۶۱). بنابراین، مسائل اجتماعی به‌عنوان جزئی از روندهای تعاملی^۳ و مداوم ایجاد و ساخته می‌شوند (استالر، ۲۰۰۱: ۱۵۷؛ گود، ۲۰۰۸: ۲۵۵).

براساس این رهیافت، شرایط اجتماعی مشابه ضرورتاً مسائل اجتماعی مشابهی ایجاد نمی‌کنند، زیرا تعریف جمعی از یک وضعیت مخاطره‌آمیز و تهدیدکننده است که آن را مسئله‌ای اجتماعی معرفی می‌کند (کلتران و آدامز، ۲۰۰۳: ۳۶۶) و این واضح است که اکثر تعاریف و ادراکات از مسائل اجتماعی در لفافه قضاوت‌ها و مباحث ارزشی قرار دارند. بنابراین، ارزش‌ها و نگرش‌های اجتماعی که با پیشینه و تجارب اجتماعی افراد مرتبط هستند، نه تنها بر انتخاب و تعریف مسائل اجتماعی تأثیر می‌گذارند، بلکه بر راه‌حل‌های پیشنهادی نیز مؤثرند (رومیر، ۲۰۰۱: ۶). پاولوف (۱۹۹۶) اشاره می‌کند که برخی از پدیده‌های اجتماعی، که اخیراً مسئله اجتماعی در نظر گرفته می‌شوند، قبلاً بی‌نام و نشان بودند. مثلاً سوءاستفاده از کودکان، خشونت عشقی^۴ و تخریب زیست‌محیطی. همچنین، در غرب برخی از مسائل از قبیل همجنس‌بازی و روابط جنسی خارج از ازدواج که عموماً در گذشته بسیار نامطلوب قلمداد می‌شدند، امروزه کمتر نامطلوب در نظر گرفته می‌شوند (رومیر، ۲۰۰۱: ۶-۵).

¹ Labeling

² Value-Conflict

³ Interactive

⁴ Date rape

بنابراین، این رهیافت بررسی می‌کند که چگونه پدیده‌های اجتماعی ایجاد و نهادینه می‌شوند و در روشی پذیرفته‌شده ساخته می‌شوند. ساخت اجتماعی^۱ روندی مداوم است و واقعیت به‌طور ثابت از طریق تعاملات مردم و دانششان درباره آن واقعیت بازتولید می‌شود (هوگی، ۲۰۰۸: ۸۶۶). بر این اساس، مسائل اجتماعی تابع تعاریف اعضای جامعه از مسائل است نه وضعیت واقعی آن مسئله در جامعه. این دیدگاه در قالب سنت تفسیری وبری و بر نظریات خرد که بر تفاسیر و ادراکات افراد تأکید دارند، متکی است. بنابراین، می‌توان این دیدگاه را رهیافت وبری در مقابل رهیافت دورکیمی دسته‌بندی کرد.

بر این اساس، ماهیت مسئله اجتماعی ذهنی و تابع تعاریف جمعی از آن است و نه لزوماً امری خارجی، عینی و بیرونی. با این اوصاف، این سؤال مطرح می‌شود که این ادراکات و تعاریف از مسائل اجتماعی چگونه ساخته می‌شود؟ چه کسانی در جامعه پدیده اجتماعی را مسئله تعریف می‌کنند؟ اولویت‌بندی مسائل اجتماعی در جامعه چگونه و توسط چه افرادی صورت می‌گیرد؟ هر کدام از دو رهیافت عینی‌گرا و برساخت‌گرای مسائل اجتماعی در این زمینه دیدگاه خاص خود را دارند.

همچنان که اشاره شد، بر اساس رهیافت عینی‌گرا، مسئله اجتماعی از طریق کژکارکردهای جامعه و سازمان نامناسب، ناقص و ناعادلانه آن ایجاد می‌شود و اولویت‌بندی و اهمیت آن تابع شیوع و گستردگی عینی آن در جامعه است. اما در رهیافت برساخت‌گرایی، مسئله اجتماعی از طریق تعاریف و ادراکات اعضای جامعه ساخته می‌شود. در این زمینه، اسپکتور و کیتسوز از اصطلاح «ساخت مطالبات»^۲ برای اشاره به فعالیت ترویج انواع معینی از نگرانی‌های اجتماعی به‌عنوان مسئله اجتماعی استفاده کرده‌اند. بر این اساس، مسائل اجتماعی تعریف‌شده، تنها شرایط ذهنی نیستند، بلکه بیشتر فعالیت‌های افراد یا گروه‌ها در جهت ساخت مطالبات با ملاحظه شرایط مفروض است. آن‌ها بر فعالیت‌های این «مطالبه‌سازان»^۳ تأکید می‌کنند، در حالی که تمرکز بر شرایط مفروض را که روی این فعالیت‌ها ایجاد می‌شود به حداقل رسانده‌اند (استالر، ۲۰۱۰: ۱۵۷).

¹ Social construction

² Claims-making

³ Claim-makers

بنابراین، از دیدگاه برساخت‌گرایی، مسائل اجتماعی حاصل فعالیت مطالبه‌سازانی است که یک مطالبه را در جامعه تبدیل به مسئله‌ای اجتماعی می‌کنند و تعاریف و ادراکات سایر اعضای جامعه از مسائل اجتماعی را شکل می‌دهند. در عمل، مسائل اجتماعی به‌دست گروه‌هایی ساخته می‌شود که مطالبات را دربارهٔ وضعیت‌های اجتماعی مفروض می‌سازند. بر این اساس، مسائل اجتماعی هنگامی ظاهر می‌شوند که گروه‌هایی مطالبات و ادعاهایی مطرح کنند که توجهات عمومی را به خود جلب کند (به نقل از کلتران و آدامز، ۲۰۰۳: ۳۶۶).

بنابراین، برای تشخیص مسائل اجتماعی و ساخت و اولویت‌بندی آن‌ها مراجعه به افکار عمومی یکی از معیارهای اساسی است، ولی سؤال این است که چه تعداد افراد باید یک مسئله اجتماعی را بسازند و اهمیت آن را مشخص کنند. تعداد قابل توجه^۱ به معنای اکثریت یا گروهی پر قدرت از مردم است که تحت تأثیر مسئله بوده یا به آن علاقه‌مند هستند. مطمئناً عقاید اکثریت ممکن است نادرست، گمراه‌کننده، نارسا، مبهم یا غیرمنطقی باشد. در آغاز، بسیاری از شرایط اجتماعی تمایل دارند که به وسیلهٔ گروه‌های کوچکی از مردم و افراد، شامل رهبران سیاسی، نمایندگان رسانه‌های جمعی، روحانیون، طرفداران حقوق مدنی، رؤسا و رهبران اتحادیه‌ها به‌عنوان مسئله اجتماعی تعریف شوند. اغلب مردم این افراد را مهم‌تر از دیگران می‌دانند. ثروتمندان، متخصصان، روحانیون، مردان و بزرگ‌ترها قدرت و نفوذ بیشتری از فقرا، افراد بدون مزیت، پیروان، زنان و کودکان دارند. گروه نخست از ظرفیت سازمانی و قدرت سیاسی و اقتصادی در شکل‌دادن به اعتقادات و ادراکات سایر گروه‌ها در ارتباط با اولویت، عوامل و نتایج مسائل اجتماعی استفاده می‌کنند (رومیر، ۲۰۰۱: ۷). بنابراین، در کنار افکار عمومی کلی اعضای جامعه، نظرات گروه‌های بانفوذ از نظر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز در تعیین این اولویت‌ها اساسی است. هرچند اغلب مسائل اجتماعی از سوی این گروه‌ها تعریف یا بازتعریف می‌شود، یا اولویت و اهمیت آن تعیین می‌شود، مطالبات عمومی نیز می‌تواند در ادراکات نخبگان جامعه در اولویت‌بندی مسائل دخیل باشد. لذا، عموماً رابطه‌ای دوطرفه میان عامهٔ مردم و گروه‌های پرنفوذ (نخبگان) در شکل‌دادن و اولویت‌بندی مسائل اجتماعی وجود دارد. در این میان، رسانه‌ها به‌عنوان عامل سوم کار دروازه‌بانی خبر و

^۱ A significant number

گزینش برخی از این مسائل و برجسته‌سازی یا بی‌اهمیت جلوه‌دادن برخی از مسائل را برعهده دارند.^۱

بنابراین، در رهیافت برساخت‌گرایی تشخیص و اولویت‌بندی مسائل اجتماعی یا به‌وسیله تعداد قابل توجهی از مردم انجام می‌شود یا به‌وسیله تعدادی از افراد مهم.^۲ در ایران نیز این دو گروه نقش مهمی در ساخت، تشخیص و اولویت‌بندی مسائل اجتماعی برعهده دارند. بنابراین، با تأسی از رهیافت برساخت‌گرایی مسائل اجتماعی در ادامه، اولویت‌بندی مسائل اجتماعی از دیدگاه این دو دسته مورد مطالعه و مقایسه قرار می‌گیرد تا مشخص گردد که چه تفاوت یا شباهت‌هایی میان عامه مردم و نخبگان جامعه در زمینه تشخیص و اولویت‌بندی مسائل اجتماعی وجود دارد.

روش تحقیق

در تحقیق حاضر برای بررسی اولویت مسائل اجتماعی از روش تحلیل ثانویه استفاده شده است. تحلیل ثانویه «هر تحلیل بعدی از مجموعه اطلاعات موجود است که تفسیر، نتیجه‌گیری یا شناختی افزون بر گزارش اول یا متفاوت با آن ارائه دهد» (بیکر، ۱۳۸۶: ۳۰۷). در این روش تمرکز روی تحلیل، بیشتر از جمع‌آوری و تولید داده‌هاست. برای مطالعه حاضر از داده‌های سه پیمایش برای تعیین اولویت‌بندی مسائل اجتماعی از دیدگاه مردم استفاده شده و یک پیمایش برای تعیین اولویت مسائل اجتماعی از دیدگاه مسئولان و نخبگان حاکم کشور به کار رفته است. جدول ۱ مشخصات این چهار پیمایش را به تفکیک ذکر کرده است. همچنان که جدول نشان می‌دهد، مطالعه یک بازه زمانی ۱۰ ساله را با حدود ۳۶۴۲۹ نفر پوشش داده است. از این چهار پیمایش سه مورد پیمایش‌های عمومی ملی بوده و داده‌های همه با استفاده از روش‌های علمی گردآوری شده‌اند.

^۱ برای مطالعه بیشتر در مورد دیدگاه برساخت‌گرایی می‌توان به منابع زیر مراجعه کرد: رابینگتن و واینبرگ (۱۳۸۶) و دانیلین (۱۳۸۹).

^۲ Significant people

جدول ۱. مشخصات پیمایش‌های استفاده شده در مطالعه حاضر

سال اجرا	حجم نمونه	سطح مطالعه	مراکز و شهرهای مورد مطالعه
۱۳۷۵	۴۰۰۲	ملی	۳۱ نقطه قومی کشور ^۱
۱۳۷۸	۱۵۷۸۲	ملی	۲۸ مرکز استان و ۴ شهر شامل میانه، ملایر، سبزوار و نیشابور
۱۳۸۰	۱۶۸۲۴	ملی	۲۸ مرکز استان کشور
۱۳۸۴	۵۷	ملی	۵۷ نفر از نخبگان ملی

یافته‌های تحقیق

همچنان‌که در بخش نظری مطالعه اشاره شد، رهیافت برساخت‌گرایی مسائل اجتماعی، تعریف، تشخیص و اولویت‌بندی مسائل اجتماعی را پدیده‌ای ذهنی و فارغ از شیوع عینی آن‌ها می‌داند و مطالعات بسیاری نیز طی دو دهه اخیر به بررسی این امر پرداخته‌اند. در ادامه نیز اولویت‌بندی مسائل اجتماعی از دیدگاه مردم و مسئولان آورده می‌شود.

مطالعه اول

این مطالعه در فاصله سال‌های ۶-۱۳۷۵ بر روی یک نمونه ۴۰۰۲ نفره در ۳۱ نقطه قومی کشور انجام شده است. ویژگی‌های جمعیتی پاسخگویان عبارت است از: ۵۵ درصد مرد و ۴۵ درصد زن. میانگین سنی و تحصیلی آن‌ها به ترتیب ۳۴/۶ سال و ۹/۷ کلاس (دوره متوسطه). به علاوه، از لحاظ وضع فعالیت ۴۶/۹ درصد شاغل، ۹/۶ درصد بیکار، ۴/۶ درصد بازنشسته، ۱۲/۴ درصد محصل (دانش‌آموز و دانشجو) و ۲۶/۵ درصد خانه‌دار بوده‌اند. قومیت ۳۲/۸ درصد از پاسخگویان ترک، ۶/۶ درصد بلوچ، ۲/۵ درصد ترکمن، ۲/۵ درصد طالبش، ۵ درصد عرب، ۱۷/۴ درصد فارس، ۱۶/۸ درصد کرد و ۱۶/۲ درصد نیز لر بوده است. همچنین، ۷۸/۷ درصد پاسخگویان شیعه و ۲۱/۳ درصد سنی بوده‌اند.

^۱ نقاط مورد مطالعه شامل شهرهای تبریز، اردبیل، پارس‌آباد، ارومیه، مهاباد، سنندج، سقز، اهواز، ایزه، شادگان، کرمانشاه، اسلام‌آباد، پاوه، زنجان، زاهدان، خاش، ایران‌شهر، گنبد، آق‌قلا، بندر ترکمن، خرم‌آباد، بروجرد، کوهدشت، ایلام، فارسان، دهدشت، اصفهان، نورآباد ممسنی، طالبش، رضوان‌شهر و ماسال بوده است.

در این مطالعه، اهمیت ۱۵ مسئله اجتماعی از پاسخ‌گویان پرسیده شده است. نتیجه ارزیابی پاسخگویان از اهمیت مسائل اجتماعی مختلف در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲. اولویت مسائل اجتماعی براساس اهمیت هر مسئله در سال‌های ۶-۱۳۷۵ (تعداد پاسخگو = ۴۰۰۲ نفر)

مسائل	اهمیت					
	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
تورم	۰/۲	۱/۱	۱۰/۷	۴۲/۴	۴۵/۶	۳/۳۲
بیکاری	۱	۳	۱۲/۱	۴۰/۸	۴۳	۳/۲۲
پارتی‌بازی	۳/۶	۶/۷	۱۳/۳	۳۲/۲	۴۴/۲	۳/۰۷
فقر	۰/۶	۳/۳	۲۱/۵	۴۲/۱	۳۲/۵	۳/۰۳
مسکن	۱/۱	۸/۳	۳۱/۲	۳۹/۸	۱۹/۶	۲/۶۸
رشوہ‌خواری	۵	۱۵/۱	۱۹/۴	۳۳	۲۷/۵	۲/۶۳
بزهکاری	۲	۱۵/۸	۲۵/۸	۳۵/۱	۲۱/۴	۲/۵۸
اعتیاد	۳/۲	۱۸/۳	۲۲	۳۴/۹	۲۱/۷	۲/۵۴
کمبود کتابخانه	۳/۲	۱۶/۲	۲۴/۸	۳۵/۶	۲۰/۱	۲/۵۳
کمبود دانشگاه	۶/۵	۱۹	۲۴/۵	۲۵/۲	۲۴/۹	۲/۴۳
سرت	۴/۲	۲۲/۸	۲۷	۳۲/۵	۱۳/۵	۲/۲۸
بی‌اعتمادی	۵/۱	۲۳/۹	۲۶/۲	۲۸	۱۶/۸	۲/۲۷
کمبود مدرسه	۶/۱	۲۳/۴	۳۹/۲	۲۲/۹	۸/۴	۲/۰۴
طلاق	۴/۲	۳۳/۵	۲۹/۱	۲۳	۱۰/۲	۲/۰۱
ناامنی	۱۱/۶	۳۷/۱	۲۸/۴	۱۵/۷	۷/۳	۱/۷

همچنان که مشاهده می‌شود، بر اساس نتایج مطالعه اول، مهم‌ترین مسائل اجتماعی ایران از دیدگاه پاسخگویان تورم، بیکاری، پارتی‌بازی و فقر است. نتایج آزمون رتبه‌بندی فریدمن در جدول ۳ نیز معنی‌دار بودن این اولویت‌بندی را نشان می‌دهد.

جدول ۳. نتیجه آزمون فریدمن در مطالعه اول

تعداد	کای اسکور	درجه آزادی	معنی‌داری
۳۴۵۴	۱۰۴۳۰/۳۷۷	۱۴	۰/۰۰۰

بررسی الگوی پاسخگویان نشان از توجه یکسان به مسائل گوناگون در حوزه‌های مختلف دارد. آن‌چنان‌که آزمون تحلیل عاملی نشان‌دهنده تمایزپذیری مسائل در حوزه‌های مختلف است.

جدول ۴. نتیجه تحلیل عاملی اکتشافی مسائل اجتماعی ایران در فاصله سال‌های ۷۶-۱۳۷۵

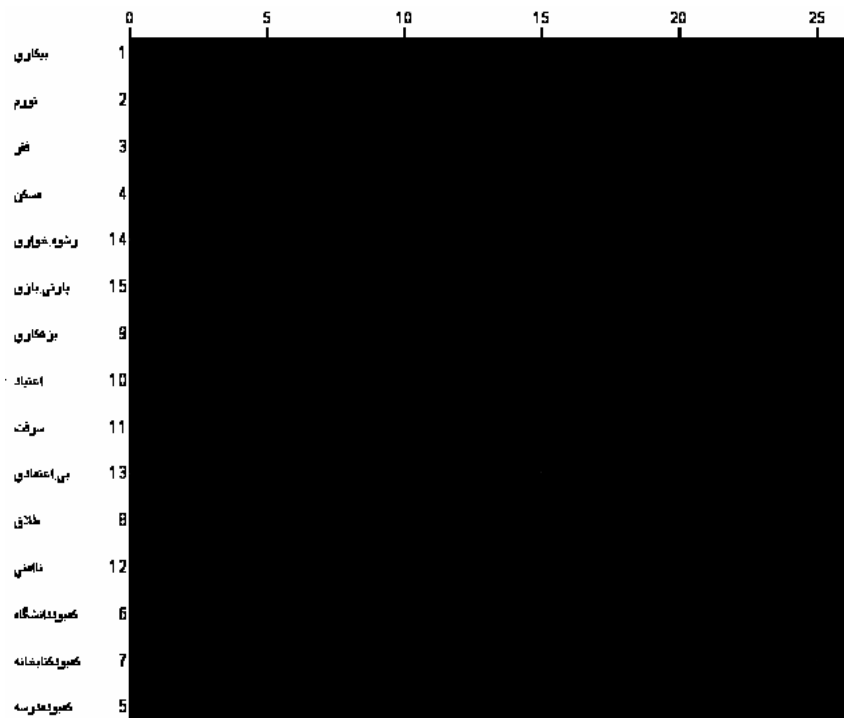
عوامل				
مسائل مدیریتی اجرایی	مسائل فرهنگی	مسائل اقتصادی	مسائل اجتماعی	
			۰/۸۱۹	سرقت
			۰/۷۹۳	اعتیاد
			۰/۷۶۸	بزهکاری
			۰/۷۳۳	ناامنی
			۰/۵۷۷	طلاق
۰/۴۶۴			۰/۵۳۴	بی‌اعتمادی
		۰/۷۵۴		فقر
		۰/۷۱۵		تورم
		۰/۷۰۱		بیکاری
		۰/۶۲۱		مسکن
	۰/۸۱۹			کمبود دانشگاه
	۰/۷۸۵			کمبود کتابخانه
	۰/۷۰۳			کمبود مدرسه
۰/۸۵۷				پارتنری بازی
۰/۸۴۳				رشوه‌خواری

روش استخراج: تحلیل اجزای اصلی. روش چرخش: واریماکس با نرمال‌سازی کایزر

همچنان‌که جدول ۴ نشان می‌دهد، واکنش پاسخگویان به مسائل اجتماعی مختلف از الگوی خاصی پیروی می‌کند. به گونه‌ای که می‌توان چهار نوع نگاه به مسائل اجتماعی را براساس حوزه اجتماعی آن‌ها تشخیص داد. شاخص ترکیبی (غیروزنی) این متغیرها نیز نشان می‌دهد که مسائل اقتصادی با میانگین ۳/۰۲، مسائل مدیریتی و اجرایی با میانگین ۲/۸، مسائل فرهنگی با میانگین ۲/۳ و مسائل اجتماعی با میانگین ۲/۲۳ به ترتیب مهم‌ترین مسائل اجتماعی پاسخگویان محسوب می‌شوند. نتیجه تحلیل خوشه‌ای سلسله‌مراتبی از مسائل اجتماعی مورد

بررسی در نمودار ۱ نشان داده شده است. همچنان که نمودار ۱ نشان می‌دهد، مسائل اجتماعی و فرهنگی با یکدیگر و مسائل اقتصادی و مدیریتی - اجرایی از دیدگاه پاسخگویان پیوستگی نزدیکی با یکدیگر داشته‌اند.

نمودار ۱. تحلیل خوشه سلسله‌مراتبی مسائل اجتماعی ایران در فاصله سال‌های ۷۶-۱۳۷۵



مطالعه دوم

مطالعه دوم در سال ۱۳۷۸ و با نمونه‌ای مشتمل بر ۱۵۵۳۸ نفر در کشور اجرا شده است. ویژگی‌های جمعیتی پاسخگویان عبارت است از: ۵۲/۱ درصد مرد و ۴۷/۹ درصد زن. میانگین سنی پاسخگویان ۳۱/۵ سال است. از نظر تحصیلی ۲۴/۷ درصد بی‌سواد یا ابتدایی، ۳۳/۹ درصد راهنمایی یا متوسطه، ۲۳/۲ درصد دیپلم هستند و ۱۵/۵ درصد تحصیلات دانشگاهی دارند. به‌علاوه، از لحاظ وضع فعالیت ۳۷/۱ درصد شاغل، ۹/۱ درصد بیکار، ۲/۶ درصد

بازنشسته، ۱۹/۳ درصد محصل (دانش آموز و دانشجو) و ۳۱/۸ درصد خانه دار بوده اند. قومیت ۵۹/۹ درصد از پاسخگویان فارس، ۱۹/۷ درصد ترک، ۷/۵ درصد کرد، ۶/۹ درصد لر، ۱/۹ درصد عرب، ۱/۷ درصد بلوچ و ۰/۳ درصد ترکمن بوده است. همچنین، ۹۴/۶ درصد پاسخگویان شیعه و ۵/۴ درصد سنی بوده اند.

در این مطالعه اهمیت ۱۵ مسئله اجتماعی از دیدگاه پاسخگویان پرسیده شده است. جدول ۵ اهمیت هر کدام از مسائل اجتماعی مورد بررسی را نشان می دهد.

جدول ۵. اولویت مسائل اجتماعی براساس اهمیت هر مسئله در سال ۱۳۷۸ (تعداد پاسخگو = ۱۵۵۳۸ نفر)

مسائل	اهمیت							آماره ها (دامنه ۰ تا ۵)
	اصلاً	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	
گرانی و تورم	۰/۲	۰/۳	۱	۸/۹	۳۵/۷	۵۳/۹	۴/۴۱	۰/۷۴۳
بیکاری	۰/۵	۰/۹	۲/۳	۸/۲	۳۲/۸	۵۵/۴	۴/۳۸	۰/۸۵۹
پارتنری بازی	۱/۵	۱/۷	۳/۸	۹/۵	۲۸/۸	۵۴/۶	۴/۲۶	۱/۰۶
اعتیاد	۱/۴	۲/۲	۶/۳	۱۳/۳	۳۵/۶	۴۱/۱	۴/۰۳	۱/۱۰۸
بزه کاری و خلافکاری جوانان	۱/۲	۳/۸	۷/۱	۱۶/۹	۳۸/۵	۳۳/۵	۳/۸۹	۱/۱۰۷
مسکن و اجاره نشینی	۱/۳	۲/۳	۶	۲۰	۴۰/۳	۳۰/۱	۳/۸۶	۱/۰۶۶
رشوہ خواری	۳	۴/۱	۸/۹	۱۶/۳	۳۲/۲	۳۵/۵	۳/۷۷	۱/۲۹۱
مفاسد و بی بندوباری	۱/۶	۴/۱	۹/۵	۱۹/۹	۳۱/۶	۳۳/۳	۳/۷۶	۱/۲۱۴
سرق	۰/۹	۴/۲	۱۰/۷	۲۰/۴	۳۴/۶	۲۸	۳/۶۶	۱/۲۲
طلاق و اختلافات خانوادگی	۲/۳	۵/۵	۱۳/۳	۲۴/۹	۳۲/۴	۲۱/۶	۳/۴۴	۱/۲۴۵
کمبود محیط های تفریحی و ورزشی	۲/۶	۷/۲	۱۴	۲۳/۹	۲۹/۶	۲۲/۷	۳/۳۹	۱/۳۰۹
کمبود امکانات بهداشتی و بیمارستانی	۱/۷	۴/۶	۱۱/۳	۴۰/۱	۲۶	۱۶/۴	۳/۳۳	۱/۱۱۸
کمبود مراکز فرهنگی و هنری	۳	۷/۲	۱۶/۲	۲۷/۲	۲۷/۶	۱۸/۷	۳/۲۵	۱/۲۹۸
ناامنی جانی و مالی	۵/۹	۱۱/۵	۱۸/۳	۲۳/۸	۲۱/۹	۱۸/۶	۳	۱/۴۶۳
کمبود مدرسه و دبیرستان	۴	۸	۱۶/۷	۳۸/۱	۲۲/۴	۱۰/۸	۲/۹۹	۱/۲۲۶

همچنان که جدول نشان می‌دهد، گرانی و تورم، بیکاری، پارتی‌بازی و اعتیاد مهم‌ترین مسائل اجتماعی از دیدگاه پاسخگویان است. کمبود مدرسه و دبیرستان و ناامنی جانی و مالی نیز دارای کمترین اهمیت و اولویت در میان پاسخ‌گویان است. آزمون رتبه‌بندی فریدمن نیز معنی‌دار بودن این اولویت‌بندی را نشان می‌دهد (جدول ۶).

جدول ۶. نتیجه آزمون فریدمن در مطالعه دوم

معنی‌داری	درجه آزادی	کای اسکور	تعداد
۰/۰۰۰	۱۴	۳۳۵۲۵/۵۷۳	۱۲۶۹۸

در مطالعه دوم نیز همانند مطالعه اول، نتیجه تحلیل عاملی اکتشافی چهار دسته مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مدیریتی - اجرایی را از یکدیگر تمییز می‌دهد که نشان‌دهنده تشخیص و اولویت‌دهی مشابه به مسائل اجتماعی در حوزه‌های مختلف از سوی پاسخگویان است. جدول ۷ نتیجه تحلیل عاملی اکتشافی مسائل اجتماعی در سال ۱۳۷۸ را نشان می‌دهد.

جدول ۷. نتیجه تحلیل عاملی اکتشافی مسائل اجتماعی در سال ۱۳۷۸

عوامل				
مسائل مدیریتی - اجرایی	مسائل اقتصادی	مسائل فرهنگی	مسائل اجتماعی	
			۰/۷۹۰	بزهکاری و خلافکاری جوانان
			۰/۷۳۸	اعتیاد
			۰/۷۳۴	طلاق و اختلافات خانوادگی
			۰/۷۲۴	سرقت
			۰/۶۹۹	مفاسد و بی‌بندوباری
			۰/۶۵۶	ناامنی جانی و مالی
		۰/۸۴۹		کمبود مراکز فرهنگی و هنری
		۰/۸۰۷		کمبود محیط‌های تفریحی و ورزشی
		۰/۶۵		کمبود مدرسه و دبیرستان
		۰/۵۵۶		کمبود امکانات بهداشتی و بیمارستانی
	۰/۷۶۸			گرانی و تورم

بیکاری	۰/۷۴۶			
مسکن و اجاره‌نشینی	۰/۵۱۲			
پارتی‌بازی	۰/۸۵۴			
رشوه‌خواری	۰/۷۵۰			

روش استخراج: تحلیل اجزای اصلی. روش چرخش: واریماکس با نرمال‌سازی کایزر

همچنین، بررسی الگوی پاسخ‌ها در تحلیل خوشه‌ای سلسله‌مراتبی نیز نتایجی همانند مطالعه اول را نشان می‌دهد. بررسی تفاوت اولویت مسائل اجتماعی در میان مقولات اجتماعی مختلف نشان می‌دهد که تفاوت چندانی میان مقولات اجتماعی مختلف وجود ندارد. تنها می‌توان به تفاوت مسائل فرهنگی میان افراد با تحصیلات عالی با سایر افراد اشاره کرد که اهمیت و اولویت این مسائل برای افراد با تحصیلات عالی بیشتر از سایر مقولات است. آزمون تحلیل واریانس هم معنی‌دار بودن این تفاوت را تأیید می‌کند.

جدول ۸. مقایسه اولویت‌بندی مقولات اجتماعی مختلف براساس میانگین اهمیت مسائل اجتماعی در سال

۱۳۷۸

وضعیت اشتغال	تحصیلات			سن			جنسیت		مسائل		
	غیر شاغل	شاغل	تحصیلات عالی	تحصیلات متوسط	تحصیلات پایین	از ۵۰ سال به بالا	۳۰ تا ۴۹ سال	۱۵ تا ۲۹ سال		زن	مرد
۴/۴	۴/۴	۴/۴	۴/۴	۴/۴	۴/۵	۴/۵	۴/۵	۴/۳	۴/۵	۴/۴	گرانی و تورم
۴/۴	۴/۳	۴/۴	۴/۴	۴/۴	۴/۴	۴/۴	۴/۴	۴/۴	۴/۴	۴/۳	بیکاری
۴/۳	۴/۲	۴/۳	۴/۳	۴/۲	۴/۳	۴/۳	۴/۳	۴/۳	۴/۳	۴/۲	پارتی‌بازی
۴/۱	۴/۰	۴/۰	۴/۰	۴/۰	۴/۱	۴/۱	۴/۱	۴/۰	۴/۱	۳/۹	اعتیاد
۳/۹	۳/۸	۳/۹	۳/۹	۳/۹	۳/۹	۳/۹	۳/۹	۳/۹	۴/۰	۳/۸	بزهکاری و خلافکاری جوانان
۳/۸	۳/۹	۳/۹	۳/۸	۳/۹	۳/۹	۳/۹	۳/۹	۳/۸	۳/۹	۳/۸	مسکن و اجاره‌نشینی
۳/۸	۳/۸	۳/۸	۳/۸	۳/۷	۳/۸	۳/۸	۳/۸	۳/۷	۳/۸	۳/۸	رشوه‌خواری
۳/۸	۳/۷	۳/۷	۳/۸	۳/۷	۳/۷	۳/۷	۳/۸	۳/۷	۳/۹	۳/۶	مفاسد و بی‌بندوباری
۳/۷	۳/۶	۳/۷	۳/۷	۳/۷	۳/۸	۳/۷	۳/۶	۳/۶	۳/۸	۳/۶	سرقهت
۳/۵	۳/۳	۳/۴	۳/۵	۳/۴	۳/۵	۳/۵	۳/۴	۳/۴	۳/۶	۳/۳	طلاق و اختلافات خانوادگی

۳/۳	۳/۵	۳/۶	۳/۴	۳/۲	۳/۳	۳/۴	۳/۴	۳/۳	۳/۵	کمبود محیط‌های تفریحی و ورزشی
۳/۳	۳/۴	۳/۳۴	۳/۳	۳/۳	۳/۵	۳/۴	۳/۲	۳/۳	۳/۳	کمبود امکانات بهداشتی و بیمارستانی
۳/۲	۳/۴	۳/۵	۳/۳	۳/۱	۳/۲	۳/۳	۳/۳	۳/۲	۳/۳	کمبود مراکز فرهنگی و هنری
۳/۰	۳/۱	۳/۱	۳/۰	۳/۰	۳/۱	۳/۱	۲/۹	۳/۰	۳/۰	کمبود مدرسه و دبیرستان
۳/۰	۲/۹	۳/۰	۳/۰	۳/۰	۳/۱	۳/۱	۲/۹	۳/۱	۲/۹	ناامنی جانی و مالی

مطالعه سوم

این مطالعه در سال ۱۳۸۰ بر روی نمونه‌ای ۱۶۸۲۴ نفره در ۲۸ مرکز استان کشور انجام شده است. ویژگی‌های جمعیتی پاسخگویان عبارت است از: ۴۹/۳ درصد مرد و ۵۰/۷ درصد زن. میانگین سنی پاسخگویان ۳۳/۱ سال است. از نظر تحصیلی ۱۲/۵ درصد بی‌سوادند، ۱۷/۳ درصد تحصیلات ابتدایی، ۳۲/۳ درصد راهنمایی یا متوسطه، ۲۲/۵ درصد دیپلم و ۱۵/۳ درصد تحصیلات دانشگاهی دارند. همچنین، از لحاظ وضع فعالیت ۳۲/۶ درصد شاغل، ۱۲/۳ درصد بیکار، ۴ درصد بازنشسته، ۱۹/۴ درصد محصل (دانش‌آموز و دانشجو) و ۳۱/۸ درصد خانه‌دار بوده‌اند. قومیت ۵۸ درصد از پاسخگویان فارس، ۱۹/۳ درصد ترک، ۱۰/۳ درصد کرد، ۸/۴ درصد لر، ۲/۴ درصد عرب و ۱/۶ درصد بلوچ است. همچنین، ۹۴/۵ درصد پاسخگویان شیعه و ۵/۵ درصد سنی بوده‌اند. بررسی رتبه شغلی پاسخگویان نشان می‌دهد که رتبه شغلی ۳۹/۷ درصد پاسخگویان پایین، ۴۸/۷ درصد متوسط و ۱۱/۶ درصد بالا است. در این مطالعه، اهمیت ۱۳ مسئله اجتماعی از دیدگاه پاسخگویان پرسیده شده است. جدول ۹ اهمیت هر کدام از مسائل اجتماعی مورد بررسی را نشان می‌دهد.

جدول ۹. اولویت مسائل اجتماعی براساس اهمیت هر مسئله در سال ۱۳۸۰ (تعداد پاسخ‌گو = ۱۶۸۲۴ نفر)

مسائل	اهمیت								
	اصلا کم	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	کاملا	میانگین	
بیکاری	۰/۴	۰/۶	۱/۲	۴	۱۷/۳	۳۶/۶	۳۹/۹	۵/۰۷	۱/۰۱۶
گرانی	۰/۴	۰/۵	۱/۱	۴/۸	۱۸/۴	۳۳/۳	۴۱/۵	۵/۰۶	۱/۰۳۷
اعتیاد	۰/۴	۰/۷	۲/۵	۷/۱	۲۸	۳۷/۸	۲۳/۵	۴/۶۹	۱/۰۶۹
پارتی‌بازی	۰/۷	۱/۲	۳/۱	۸	۳۰/۷	۳۶/۸	۱۹/۶	۴/۵۵	۱/۱۲۳
دزدی	۰/۴	۱/۳	۴	۱۲/۲	۲۹/۹	۳۲	۲۰/۱	۴/۴۶	۱/۱۷۵

۱/۱۲۵	۴/۱۶	۱۰/۹	۲۷/۲	۳۸/۲	۱۶/۲	۵/۵	۱/۸	۰/۳	طلاق
۱/۲۴۱	۳/۹۱	۹/۱	۲۲/۶	۳۵/۳	۲۰	۹/۱	۲/۹	۰/۸	چاپلوسی و دورویی
۱/۳۵	۳/۸۵	۱۰/۷	۲۲/۴	۳۱/۲	۱۹	۱۱/۴	۴/۴	۱	روابط نامشروع
۱/۲۳۶	۳/۸	۶/۶	۲۲/۱	۳۵/۸	۲۱/۷	۸/۹	۳/۸	۱	اختلاف و چند دستگی
۱/۳۵۳	۳/۷۱	۹/۲	۱۸/۹	۳۰/۵	۲۳/۹	۱۱/۵	۴/۲	۱/۷	تبعیض
۱/۴۵۱	۳/۵۲	۸/۹	۱۷/۷	۲۵/۳	۲۳/۳	۱۵/۹	۷/۱	۱/۸	ناامنی
۱/۴۲۶	۳/۴۴	۸	۱۵/۹	۲۳/۸	۲۷/۲	۱۵/۷	۷/۳	۱/۹	بی توجهی به دین
۱/۳۴	۳/۴۳	۷/۶	۱۳/۵	۲۳/۱	۳۵/۱	۱۳/۵	۵/۲	۲	محدودیت آزادی‌ها

چنان که جدول فوق نشان می‌دهد، مطابق با نتایج، مهم‌ترین مسائل اجتماعی از دیدگاه پاسخگویان به ترتیب بیکاری، گرانی، اعتیاد و پارتی‌بازی است و کم‌اهمیت‌ترین مسائل محدودیت آزادی‌ها، بی‌توجهی به دین و ناامنی است. آزمون رتبه‌بندی فریدمن نیز معنی‌دار بودن این اولویت‌بندی را نشان می‌دهد (جدول ۱۰).

جدول ۱۰. نتیجه آزمون فریدمن در مطالعه سوم

معنی‌داری	درجه آزادی	کای اسکور	تعداد
۰/۰۰۰	۱۱	۴۴۶۹۳/۳۰۷	۱۴۶۸۰

بنابراین، مطابق نتایج این مطالعه، مهم‌ترین مسائل اجتماعی مردم، مسائل اقتصادی و سپس اجتماعی و در انتها مسائل فرهنگی و سیاسی بوده است. یکی از مفروضات اساسی دیدگاه برساخت‌گرایی، نقش نخبگان و افراد مهم در تعریف و اولویت‌بندی مسائل اجتماعی است. در این قسمت، در مطالعه سوم به بررسی تفاوت دیدگاه افراد در مقولات اجتماعی مختلف درباره اهمیت مسائل اجتماعی پرداخته می‌شود. چنان که جدول ۱۱ نشان می‌دهد، بین مقولات اجتماعی مختلف تفاوت چندانی از نظر اهمیت مسائل اجتماعی وجود ندارد. در جدول، به‌ویژه تفاوت بین اولویت‌بندی افراد با تحصیلات و رتبه شغلی بالا حائز اهمیت است. همچنان که مشاهده می‌شود، تفاوت چندانی در اولویت‌بندی این افراد با افراد عادی جامعه وجود ندارد.

جدول ۱۱. مقایسه اولویت‌بندی مقولات اجتماعی مختلف براساس میانگین اهمیت مسائل اجتماعی در سال

۱۳۸۰

رتبه شغلی	تحصیلات			سن			جنسیت		رتبه شغلی بالا	رتبه شغلی متوسط	رتبه شغلی پایین
	تحصیلات عالی	تحصیلات متوسط	تحصیلات پایین	از ۵۰ سال به بالا	۳۰ تا ۴۹ سال	۱۵ تا ۲۹ سال	زن	مرد			
۴/۹	۵/۰	۵/۱	۵/۰	۵/۱	۵/۰	۵/۱	۵/۰	۵/۱	۵/۱	۵/۱	بیکاری
۴/۹	۵/۰	۵/۱	۵/۰	۵/۰	۵/۱	۵/۱	۵/۱	۵/۰	۵/۱	۵/۰	گرانی
۴/۷	۴/۷	۴/۷	۴/۷	۴/۷	۴/۷	۴/۷	۴/۷	۴/۷	۴/۷	۴/۷	اعتیاد
۴/۶	۴/۵	۴/۶	۴/۶	۴/۶	۴/۵	۴/۵	۴/۵	۴/۶	۴/۵	۴/۶	پارتنری بازی
۴/۳	۴/۴	۴/۵	۴/۴	۴/۵	۴/۵	۴/۵	۴/۴	۴/۵	۴/۵	۴/۵	دزدی
۴/۰	۴/۱	۴/۱	۴/۱	۴/۲	۴/۱	۴/۱	۴/۱	۴/۲	۴/۳	۴/۱	طلاق
۴/۱	۴/۰	۳/۹	۴/۲	۴/۰	۳/۸	۳/۹	۳/۹	۳/۹	۳/۹	۳/۹	چاپلوسی و دورویی
۳/۸	۳/۹	۳/۸	۴/۰	۴/۰	۳/۸	۳/۷	۳/۸	۳/۹	۳/۹	۳/۸	روابط نامشروع
۴/۰	۳/۹	۳/۸	۴/۱	۳/۹	۳/۷	۳/۷	۳/۸	۳/۸	۳/۸	۳/۸	اختلاف و چند دستگی
۳/۹	۳/۷	۳/۶	۳/۹	۳/۸	۳/۶	۳/۷	۳/۶	۳/۸	۳/۷	۳/۷	تبعیض
۳/۶	۳/۵	۳/۴	۳/۷	۳/۶	۳/۵	۳/۴	۳/۵	۳/۶	۳/۶	۳/۵	ناامنی
۳/۴	۳/۴	۳/۴	۳/۵	۳/۵	۳/۴	۳/۴	۳/۴	۳/۵	۳/۵	۳/۴	بی توجهی به دین
۳/۶	۳/۴	۳/۴	۳/۶	۳/۵	۳/۴	۳/۳	۳/۴	۳/۵	۳/۴	۳/۵	محدودیت آزادی‌ها

چنان‌که این مطالعه نشان داد، اولویت‌دارترین مسائل اجتماعی بیکاری و گرانی است. این اولویت‌بندی در مقولات اجتماعی مختلف تفاوت چندانی ندارد. بنابراین، بر اساس نتایج حاصل از این مطالعه، درک افراد جامعه ایران از مسائل اجتماعی تفاوت ماهوی چندانی با یکدیگر ندارد.

مطالعه چهارم

در سه مطالعه قبلی، اولویت مسائل اجتماعی از دیدگاه آحاد جامعه ایرانی مورد بررسی قرار گرفت و الگوهای آن مشخص گردید، اما در مطالعه چهارم، اولویت مسائل اجتماعی از

دیدگاه برخی از نخبگان ملی در فاصله سال‌های ۸۵-۱۳۸۴ مورد بررسی قرار گرفته که ذیلاً به خصوصیات جمعیتی آن‌ها اشاره می‌شود:

مصاحبه‌شوندگان شامل ۵۷ نفر از اعضای شبکه نخبگان ملی هستند که در زمان جمع‌آوری داده (۸۵-۸۴) از جمله اعضای مؤثر و متفقد نظام تصمیم‌گیری کشور محسوب می‌شده‌اند. این افراد از بین لیست ۲۵۰ نفره اعضای شبکه نخبگان ملی، که آمادگی مصاحبه داشته و دسترس‌پذیر بوده‌اند، انتخاب شده‌اند. این افراد شامل اعضای هیئت دولت (۸ نفر)، مجمع تشخیص مصلحت نظام (۷ نفر)، مجلس شورای اسلامی (۷ نفر)، شورای عالی انقلاب فرهنگی (۸ نفر)، شورای عالی امنیت ملی (۳ نفر)، شورای عالی اقتصاد (۴ نفر)، شورای عالی اداری (۴ نفر) و شورای عالی قضایی (۱ نفر) بوده‌اند. به علاوه، در بین پاسخ‌گویان ۲۹ نفر از رهبران و کادر مرکزی احزاب و گروه‌های فعال سیاسی کشور حضور داشته‌اند.^۱

در این مطالعه، از نخبگان خواسته شده تا مهم‌ترین مسائل کشور را در یک سؤال باز مورد اشاره قرار دهند. جدول ۱۲ نتیجه این سؤال را نشان می‌دهد.

جدول ۱۲. اولویت‌بندی مسائل اجتماعی از دیدگاه نخبگان در سال ۸۵-۱۳۸۴ (تعداد= ۶۵)

درصد	مسئله	درصد	مسئله
۱/۸	توازن دموکراتیک	۲۲/۸	مسائل اقتصادی و رفاهی
۱/۸	تحقق سند چشم‌انداز ۲۰ ساله	۱۴	تدبیر
۱/۸	آسیب‌های اجتماعی	۸/۸	انسجام و همبستگی
۱/۸	فاصله مردم و مسئولان	۵/۳	توسعه اقتصادی
۱/۸	نامشخص بودن وظایف رئیس‌جمهور	۵/۳	عدالت
۱/۸	واقع‌بینی در اداره کشور	۳/۵	برقراری نظم و امنیت
۱/۸	الگو سازی دینی	۳/۵	اجرای قانون
۱/۸	مشکل مردم سالاری دینی	۳/۵	توسعه همه‌جانبه
۱/۸	بی‌توجهی به نظام و اسلام	۳/۵	مشکل کارآمدی
۱/۸	مشکل دموکراسی	۳/۵	بی‌اعتمادی

^۱ بعضی از مصاحبه‌شوندگان در بیش از یک نهاد تصمیم‌گیری یا کادر رهبری حزب عضویت داشته‌اند. البته با توجه به ترکیب پاسخگویان و نحوه گردآوری داده‌ها، نمونه حاضر نمی‌تواند نمونه معرفی از نخبگان ملی محسوب شود.

۱/۸	تبدیل دولت ابتدایی به دولت پیچیده	۱/۸	آزادی
۱/۸	دوگانگی حاکمیت	۱/۸	منفعت ملی
		۱/۸	تنش در روابط خارجی

چنان که جدول فوق نشان می‌دهد، مسائل اقتصادی و رفاهی با ۲۲/۸ درصد، تدبیر با ۱۴ درصد و انسجام و همبستگی با ۸/۸ درصد بالاترین اولویت را در مسائل اجتماعی از سوی نخبگان کسب کرده‌اند. سایر مسائل از دیدگاه نخبگان در جدول آمده است. چنان که جدول نشان می‌دهد، نخبگان طیف وسیع‌تری از مسائل را مورد اشاره قرار داده‌اند و با توجه به حوزه تخصصی خود اختلاف آرا در میان آن‌ها بیشتر است، با این حال، مسائل اقتصادی همچنان در صدر قرار دارد. همچنین، از آن‌ها خواسته شد تا چهار مسئله اصلی رفاه، آزادی، امنیت و مشارکت را اولویت‌بندی نمایند.

جدول ۱۳. اولویت‌بندی مسائل رفاه، آزادی، امنیت و مشارکت از دیدگاه نخبگان

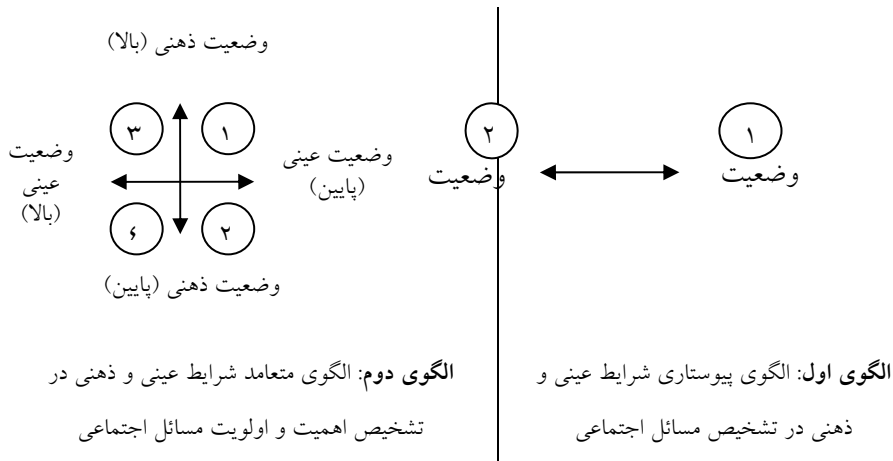
نمره وزنی	اولویت چهارم	اولویت سوم	اولویت دوم	اولویت اول	
۲۸/۴۷	۱۷/۴	۱۹/۶	۲۳/۹	۳۹/۱	رفاه
۲۶/۱	۲۴/۴	۱۴/۶	۳۶/۶	۲۴/۴	آزادی
۲۲/۵۹	۲۵/۶	۳۷/۲	۲۳/۳	۱۴/۰	امنیت
۲۶/۵۷	۱۵/۸	۳۱/۶	۲۳/۷	۲۸/۹	مشارکت

چنان که جدول ۱۳ نشان می‌دهد، ۳۹/۱ درصد نخبگان مسئله رفاه را دارای اولویت اول؛ ۲۸/۹ درصد مشارکت؛ ۲۴/۴ درصد آزادی؛ و ۱۴ درصد امنیت را به‌عنوان اولویت اول ذکر کرده‌اند. نمره وزنی (اولویت اول ضریب ۴ تا اولویت چهارم ضریب ۱) این چهار مسئله نیز نشان می‌دهد که اولویت مسائل اجتماعی در میان نخبگان مورد بررسی به ترتیب شامل مسائل اقتصادی، مسائل اجتماعی، مسائل سیاسی و مسائل فرهنگی است.

بحث و نتیجه‌گیری

در مطالعه حاضر سعی شد تأملی جامعه‌شناختی درباب ملاک‌های نظری و تجربی تشخیص و اولویت‌بندی مسائل اجتماعی در جامعه ایران ارائه شود. تأکید بر تمایز نظری میان رهیافت

عینی گرا و رهیافت برساخت گرایی مسائل اجتماعی در میان متفکران و نظریه پردازان اجتماعی، امکان نوعی تقلیل گرایی در بررسی مسائل اجتماعی را خواهد داشت. هرچند که رهیافت برساخت گرایی به علت سازگاری با ماهیت متغیر جامعه انسانی دارای قدرت تشخیصی بیشتری در تعیین مسائل اجتماعی است، نمی توان تنها بر ادراکات افراد در این زمینه تکیه کرد و از گستردگی و شیوع عینی مسائل اجتماعی فارغ بود. زیرا، همچنان که در بررسی نظریات اشاره شد، این ادراکات و تعاریف بسیار قابل دستکاری و شکل دهی هستند. به ویژه، با نفوذ رسانه های همگانی، ساخت افکار عمومی به نفع افراد یا گروه های خاص که لزوماً در پی منافع کلی جامعه نیستند، کاملاً امکان پذیر است. بنابراین، برای تعیین واقعی اهمیت و اولویت مسائل اجتماعی، شرایط عینی و ذهنی، نه به عنوان دو سر یک پیوستار، بلکه باید به عنوان دو متغیر متعامد بر هم، در نظر گرفته شوند. نوع نگاه به این دو رهیافت نتایج مهمی برای جامعه به همراه دارد.



در الگوی اول، دو وضعیت برای تشخیص اولویت و اهمیت مسائل اجتماعی وجود دارد که با توجه به رویکرد سیاست گذاران بر یک وضعیت تأکید می شود و وضعیت دیگر مورد غفلت قرار می گیرد. اما در الگوی دوم، چهار حالت برای سیاست گذاران وجود دارد که در میان آن ها وضعیت ۳ بحرانی است؛ یعنی هم شرایط ذهنی و هم شرایط عینی بر اهمیت و اولویت مسئله ای تأکید دارند. وضعیت های ۱ و ۴ نیازمند بررسی و برنامه ریزی بیشتری هستند تا یا

شرایط ذهنی بهبود یابد یا شرایط عینی رفع شود یا تقلیل یابد. وضعیت ۲ نیز وضعیت معمول جامعه است و مسئله اجتماعی محسوب نمی‌شود.

مطابق با الگوی تعامدی، چنان‌که هر چهار مطالعه نشان داد، مسائل اقتصادی دارای بالاترین اهمیت و اولویت برای افراد جامعه ایرانی هستند. سه مطالعه ملی نشان داد که بیکاری و گرانی و تورم از مهم‌ترین مسائل اجتماعی مردم هستند و از نظر نخبگان نیز مسائل اقتصادی و رفاهی در اولویت اول مسائل اجتماعی کشور قرار دارد. هم‌چنان‌که مطالعه نشان داد، تفاوت چندانی بین نخبگان جامعه و آحاد مردم در اولویت‌دهی به مسائل وجود ندارد. از آنجایی‌که مسائلی مانند بیکاری و تورم در زندگی واقعی مردم کاملاً نمایان و مورد توجه است، می‌توان به این قاعده در جامعه ایران دست یافت که اولویت‌بندی مسائل اجتماعی براساس نیازهای مردم عادی جامعه است تا تشخیص و تعریف نخبگان. بنابراین، در اولویت‌بندی مسائل اجتماعی انطباق شرایط عینی و ذهنی وجود دارد. بر این اساس می‌توان ارتباطی بین شرایط عینی مسائل اجتماعی و شیوع و گستردگی آن‌ها و اولویت‌بندی مسائل اجتماعی در میان مردم ایران یافت. هرچند گفتمان‌های رایج در جامعه و امواج سیاسی و اجتماعی در مقاطعی برخی از مسائل را برجسته‌تر می‌کند، به‌طور کلی، اولویت‌بندی مسائل اجتماعی در ایران از یک الگوی خاص پیروی می‌کند. به‌ویژه توجه به مسائل اقتصادی که جزء نیازهای بنیادی مردم است از اهمیت بیشتری برخوردار است. بدیهی است تا زمانی که مسائل مربوط به بقا در جامعه عمده بوده و مردم در تلاش برای رفع تنگنای زندگی روزمره خود باشند، مسائل فرهنگی و سیاسی در اولویت پایین‌تری قرار دارد و تلاش نخبگان حاکم در پررنگ کردن آن‌ها نیز فقط بازتاب‌هایی مقطعی خواهد داشت. بنابراین، برای تشخیص صحیح مسائل اجتماعی در ایران و سیاست‌گذاری مناسب برای مسائل اجتماعی، با توجه به الگوی تعامدی باید شرایط عینی و ذهنی مسائل اجتماعی بررسی و در نهایت اولویت و اهمیت مسائل برای برنامه‌ریزی مشخص شود.

منابع

بیکر، ترزال (۱۳۸۶) *نحوه انجام تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نی.

دورکیم، امیل (۱۳۶۸) *قواعد روش جامعه‌شناسی*، ترجمه علی محمد کاردان، تهران: دانشگاه تهران.

رابینگتن، ارل و مارتین واینبرگ (۱۳۸۶)، *رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی*، ترجمه رحمت‌الله صدیق سروستانی، تهران: دانشگاه تهران.

لوزیک، دانیلین (۱۳۸۹) *نگرشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی*، ترجمه سعید معیدفر، تهران: امیرکبیر.

میلز، سی‌رایت (۱۳۶۰) *بینش جامعه‌شناختی (نقدی بر جامعه‌شناسی آمریکایی)*، ترجمه عبدالمعبود انصاری، تهران: شرکت سهامی انتشار.

Amin, R. M., S. A Yusof, M. A. M. Haneef (2006) "Values, Social Problems and Balanced Development In Malaysia", *Journal of Socio-Economics*, 35 (1): 151-163.

Andersen, Margaret L. (2008) "Inequality" in V. N. Parrillo (ed). *Encyclopedia of Social Problems*, Thousand Oaks, Calif: SAGE Publications, Inc.

Benson, Rodney and Abigail C. Saguy (2005) "Constructing Social Problems in an Age of Globalization: A French-American Comparison", *American Sociological Review*, 70: 233.

Coltrane, S. & M. Adams (2003) "The Social Construction of the Divorce Problem: Morality, Child Victims, and the Politics of Gender", *Family Relations*, 52 (4): 363-72.

Desmond, S. A. (2005) "Prioritizing Social Problems: An Exercise for Exploring Students' Attitudes about Social Problems" *Teaching Sociology*, 33 (1): 59-65.

Goode, Erich. (2008) "Drug Abuse", in V. N. Parrillo (ed), *Encyclopedia of Social Problems*, Thousand Oaks, Calif: SAGE Publications, Inc.

Hardert, R. A. (1974) *Sociology and Social Issues*, San Francisco: Rinehart Press.

Horton, P. B. & G. R. Leslie (1978) *The Sociology of Social Problems*, New York: Appleton-Century-Crofts.

Hughey, Matthew W. (2008) "Social Constructionist Theory", in V. N. Parrillo (ed). *Encyclopedia of Social Problems*, Thousand Oaks, Calif: SAGE Publications, Inc.

- Kindlund, Hannelotte (2002) "Risk of Exposure to Social Problems", *International Journal of Social Welfare*, 11 (3): 67-77.
- Kuper, A. & J. Kuper (1985) *The Social Science Encyclopedia*, London: Routledge.
- Lee, E. (2003) *Abortion, Motherhood, and Mental Health: Medicalizing Reproduction in the United States and Great Britain*, New York: Aldine de Gruyter.
- Lopata, Helena Z. and Judith A. Levy (2003) "The Construction of Social Problems Across the Life Course", in H. Z. Lopata & J. A. Levy (ed), *Social Problems across the Life Course*, Lanham, Md: Rowman & Littlefield Publishers.
- Merton, R. K. & R. A. Nisbet (1971) *Contemporary Social Problems*, New York: Harcourt, Brace, Jovanovich.
- Parrillo, V. N. (2008) *Encyclopedia of Social Problems*, Thousand Oaks, Calif: SAGE Publications, Inc.
- Rwomire, A. (2001) *Social Problems in Africa: New Visions*, Westport, Conn: Praeger.
- Sotirovic, M. (2003) "How Individuals Explain Social Problems: The Influences of Media Use", *Journal of Communication*, 53 (1): 122-137.
- Staller, Karen M. (2010) "Social Problem Construction and Its Impact on Program and Policy Responses", *Childrens Well-Being Indicators and Research*, Volume 1, Part III: 155-173.
- Weinberg, D. (2009) "On the Social Construction of Social Problems and Social Problems Theory: A Contribution to the Legacy of John Kitsuse", *American Sociologist*, 40: 61-78.
- White, Kevin (2006) "Causality", in B. S. Turner (ed.) *The Cambridge Dictionary of Sociology*, Cambridge [England]: Cambridge University Press.